

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اکتوبر ۲۰۲۱

استفاده ابزاری چند جانبه اوزبیکستان از طالب!

یکشنبه - ۲۵ میزان ۱۴۰۰ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که روز گذشته، "عبدالسلام حنفی" به اصطلاح معاون دوم "رئیس الوزرای" نظام "ملاسالار" در رأس هیأتی به اوزبیکستان رفته و با مقامات آن کشور، صحبت ها و توافقات مفیدی را انجام داده است. در یادداشت کنونی می بینیم که اوزبیکستان از این نزدیکی با طالب چه می خواهد:

۱- وقتی به ارتباط اوزبیکستان صحبت می نمایم باید متوجه باشیم که این کشور، تنها کشور از جمله ۵ کشور آسیای میانه است که نه تنها پیمان امنیتی از نوع تاجیکستان و بقیه کشورها با روسها ندارد، بلکه روابطش با ترکیه چنان نزدیک است، که برخی ها این کشور را به دنباله روی از سیاست های منطقه ئی ترکیه و در نتیجه ناتو متهم نموده، اصل استقلال آنها را نیز زیر سؤال می برد. بر مبنای چنین طرز دیدی، از آنجائی که اوزبیکستان دست دراز ترکیه و ادامه قدرت امریکا و ناتو در منطقه شمرده می شود، و مدت ها با کمک اکمالاتی به اشغالگران پول دریافته داشته، و عملاً دشمنان طالب را مساعدت نظامی نموده است، عملکرد این کشور در قبال افغانستان از پذیرائی های گرم شان از "غنی احمدزی" گرفته تا پذیرائی کنونی شان از نماینده "نظام ملالاسالار" و رسیدن به تعهداتی حداقل شفاهی، همه در خدمت امریکا و ناتو شمرده شده، علایق و نیازمندی های خود این کشور کمتر مورد مطالعه قرار می گیرد، در حالی که افغانستان در کل بدون در نظر داشت حاکمیت ها برای اوزبیکستان از بسا جهات دارای اهمیت است که نباید حین تحلیل و ارزیابی نادیده گرفته شوند. از جمله:

۲- موقعیت جغرافیائی اوزبیکستان و از سه طرف در محاصره کشور هائی که نهایتاً اراده مسکو و بیجینگ را اجراء خواهند نمود، اوزبیکستان را وادار می سازد که به افغانستان به مثابه یگانه معبر و راه تماس با کشور های غیر وابسته به روسیه با عبور از افغانستان و رسیدن به پاکستان و در ادامه بحر هند با جهان غرب رابطه برقرار کند. همین نیازمندی ستراتیژیک باعث می گردد، تا دولت اوزبیکستان حین بررسی، تنظیم و اعلام سیاست خارجی اش، بیشترین تکیه را بر ایجاد روابط با افغانستان نماید. همین نیازمندی اوزبیکستان را وادار می سازد تا نه تنها برای زنده "غنی احمدزی" فرش قرمز پهن نماید، بلکه حین فرارش نیز علی رغم آن که با مهره های مورد تأیید اوزبیکستان کشیدگی هائی نیز داشت، از کمک به وی دریغ نرزد و همچنان برای حاکمیت بعد از "غنی احمدزی" نیز دروازه های "تاشکند" را چارپلاق باز بگذارد.

۳- اوزبیکستان برای رسیدن به پاکستان نه تنها نیازمند آن است تا تحرکات اقتصادی از طریق بندر حیرتان را همیشه فعال نگه دارد، بلکه می‌کوشد تا با ایجاد خط آهن بین تاشکند، پیشاور با عبور از ولایت بلخ و شهرهای سر راه، این ارتباط را در بالا ترین سطح آن تکامل داده، از آن طریق فرآورده های زراعتی اش را به مؤسسات تولیدی پاکستان رسانیده، نیازمندی اش را از اجبار ارسال آن تولیدات به روسیه، چین و امارشان کاهش دهد.

۴- موجودیت مراکز تولیدات برق میراث مانده از شوروی متوفا و صدور مقدار اضافی آن به سایر کشور ها از جمله افغانستان و پاکستان که در طی سالیان پسین به نام "پروژه کاسا ۱۰۰۰" معروف شده است، عامل دیگر پست که به افغانستان اهمیت و جایگاه خاصی را در تعیین سیاست های خارجی منطقه ئی آن کشور می دهد.

۵- موجودیت میلیونها باشندۀ اوزبیک و ترکمن در جنوب رود آمو یعنی در ولایات بلخ، سرپل، جوزجان و قسماً فاریاب و امتداد آنها در بعضی قسمت ها به سمت جنوب تا نقاط مرکزی افغانستان، با نقش اقتصادی مهمی که در اقتصاد افغانستان دارند و سرمایه گذاریهایی که در مناطق آنها صورت پذیرفته، عامل دیگر پست که اوزبیکستان را به چگونگی روند تحولات در افغانستان علاقه مند می سازد.

از چنین منظری اوزبیکستان همیشه کوشیده است تا جایی پائی برای خودش زیر نام حمایت از "اوزبیک ها و ترکتاباران" مقیم افغانستان محفوظ دارد. هر چند "نظام ملاسالار" با فرستادن "ملاسلام حنفی" اوزبیک تبار در رأس هیأت نظام شان، ظاهراً این خواست اوزبیکستان را برآورده ساخته است، مگر واقعیت این است که روابط دیرینه بین "دوستم" و استخبارات آن کشور و مناطق همجوارش که به قبل از تولد اوزبیکستان می رسد، عمیقتر از آن است که "نظام ملاسالار" فکر نموده که گویا می تواند با اعزام ملا "حنفی" جای خالی "دوستم" را در سیاست های اوزبیکستان پر نماید.

۶- آخرین مسأله اختلافات مرزی بین تاجیکستان و اوزبیکستان است. بادر نظر داشت مشکلاتی که بین "نظام ملاسالار" و دولت تاجیکستان وجود دارد، اوزبیکستان بی میل نیست که حد اقل جهت به راه آوردن دولت تاجیکستان، خود را با "نظام ملاسالار" نزدیک نشان دهد.

هموطنان گرامی!

بادر نظر داشت این که حیات انسانی تحت سیطره مناسبات اقتصادی متکی بر مالکیت خصوصی و کارمزدی، چه در روابط داخلی و چه هم در روابط خارجی، بیشتر از آن که روابط انسانی به منظور کمک به یک دیگر باشد، مناسباتی است تجاری که همه چیز در آن خرید و فروش و داد و ستد می گردد، روشن است که دولت اوزبیکستان از ایجاد روابط با حاکمیت ها در افغانستان به دنبال منافع خود می باشند، این که در این میان حاکمیت ها در افغانستان تا چه حدی ظرفیت، علاقه مندی و تعهد نسبت به حفظ منافع افغانستان و مردم آن دارند، در واقع تا حال اصلی بوده که همیشه در چنین مناسباتی ما بازنده بوده ایم.

حاکمیت ها با برتری دادن به منافع فردی، قشری و قومی خود، بر منافع ملی کشور پای گذشته اند. این روند که از صدها سال بدین سو آغاز یافته مطمئناً در مقطع کنونی و نظام ملاسالار نیز به همان شکل ادامه خواهد یافت و نمی توان امیدوار بود که نظام ملاسالار حافظ منافع ملی افغانستان باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!